



Comparison of "Masalak al-Muhsinin" and "Ibrahim Beyb's travelogue" from the perspective of critical analysis with a social approach

Amir eftekhari sanjani ¹ | ali ynaliloou*² | mandana hashemi esfahani³

1. PhD Student, Department of Persian Literature, Islamic Azad University, Roodehen, Iran. eftekhariamir629@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Persian Literature, Islamic Azad University, Roodehen, Iran. hesfahani@riau.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: abcdef@usb.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: Accepted:

Keywords:

Critical Literature,
Travelogue of Ibrahim
Beg Beg Masalak Al-
Mohsenin,
Zina Al-Abedin
Maraghaei,
Talibov Tabrizi
Literature of the
constitutional period

ABSTRACT (200 Words)

Criticism of social relations and depicting the conditions and how society transitions from historical crises is one of the most important applications of literature. The format of a travelogue or travelogue is a narrative of a story from the author's objective or mental observations, which also critiques various social aspects during the narrative. The travelogue of Ibrahim Bey and Masalak al-Mohsenin is part of this group of books that was published before the Constitutional Revolution and has had a great impact on the popular movement in the Constitutional Revolution. The efforts and orientation of the authors in order to inform the people and adapt modernity to the traditional culture of Iran, has become an ideological and reformist movement. With the aim of discovering social and critical themes, from the sociological point of view of literature, this article examines the content and compares the two mentioned works. One of the most important findings of the research is that intellectuals such as Talibov and Maragheh have been able to establish many of their ideas in society and among the people, because they have based their ideas on presenting a new model of modernity that is appropriate and compatible with society and Iranian and Islamic culture. In this regard, first they describe the current situation, then the pathology of that situation, then the ways out of those conditions, and finally the drawing of the ideal situation. Revealing and interpreting these valuable topics helps to enrich the existing literature on constitutionalism.

Cite this article: eftekhari sanjani, A., ynaliloou, A., & hashemi esfahani. M. (2022). Comparison of "Masalak al-Muhsinin" and "Ibrahim Beyb's travelogue" from the perspective of critical analysis with a social approach. *Journal of Research in Narrative Literature*, 10 (3), 1-20.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 000000000000000000000000



مقایسه مسالک‌المحسنین و سیاحت‌نامه/ابراهیم‌بیگ از منظر تحلیل انتقادی با رویکرد اجتماعی

امیر افنخاری سنجانی^۱ | علی عین‌علیو^{۲*} | ماندانا هاشمی اصفهانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. eftekhariamir629@gmali.com

۲. استادیار، گروه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران، نویسنده مسئول alieynaliloo@gmail.com

۳. استادیار، گروه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. hesfahani@riau.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده (۲۰۰ واژه)

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

واژه‌های کلیدی:

مسالک‌المحسنین

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ

تحلیل انتقادی

رویکرد اجتماعی

ادبیات دوره مشروطه

نقد مناسبات اجتماعی و به تصویر کشیدن شرایط و چگونگی گذار جامعه از بحران‌های تاریخی، یکی از مهم‌ترین کاربردهای ادبیات است. قالب سیاحت‌نامه و یا سفرنامه، روایتی است داستانی از مشاهدات عینی و یا ذهنی نویسنده که در خلال روایت به نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون اجتماعی نیز می‌پردازد. سیاحت‌نامه/ابراهیم‌بیگ و مسالک‌المحسنین جزو این گروه از کتاب‌هاست که مدتی پیش از انقلاب مشروطه انتشار یافته و تأثیر زیادی بر جنبش مردمی در انقلاب مشروطه گذاشته است. تلاش و جهت‌گیری نویسندگان در راستای آگاه‌سازی مردم و تطبیق مدرنیته با فرهنگ سنتی ایران، تبدیل به جنبشی ایدئولوژیک و اصلاح‌طلبانه شده است. این مقاله با هدف کشف مضامین اجتماعی و انتقادی، از منظر جامعه‌شناسی ادبیات، به بررسی محتوایی و مقایسه‌ای دو اثر ذکر شده می‌پردازد. از جمله مهم‌ترین یافته‌های پژوهش این است که روشنفکرانی همچون طالبوف و مراغه‌ای توانسته‌اند بسیاری از نظریات خود را در جامعه و در بین مردم تثبیت کنند، چرا که اساس اندیشه‌های خود را بر مبنای ارائه الگویی جدید از مدرنیته قرار داده‌اند که متناسب و سازگار با جامعه و فرهنگ ایرانی و اسلامی باشد. در این راستا نخست به توصیف وضع موجود سپس آسیب‌شناسی آن وضعیت و بعد راه‌های برون رفت از آن شرایط و در پایان ترسیم وضعیت مطلوب پرداخته‌اند. آشکارسازی و تفسیر این مضامین ارزشمند به غنی‌سازی ادبیات موجود درباره مشروطیت کمک می‌کند.

استناد: افنخاری سنجانی، امیر؛ عین‌علیو، علی و هاشمی اصفهانی، ماندانا (۱۴۰۰). مقایسه مسالک‌المحسنین و سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگاز



منظر تحلیل انتقادی با رویکرد اجتماعی. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۰ (۳)، ۲۰-۱.

حق مؤلف © نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 00000000000000000000000000000000

۱. مقدمه

علت بازنگری و پرداختن به تحولات مهم نظام ادبی این دورهٔ تاریخی و اجتماعی، تأثیر شگفت‌انگیز آن در دگرگونی تاریخ اندیشه‌های نوین اجتماعی ایران معاصر است. به طور قطع واقعیت‌های اجتماعی را از طریق مطالعه‌ی متن‌هایی با درون مایه‌های اجتماعی و انتقادی، در مقطعی خاص، بهتر می‌توان فهمید تا از طریق بررسی تاریخی که معمولاً سیر خطی دارد. رنه وُلک معتقد است، ادبیات یک سند اجتماعی است که در تحلیل تاریخ می‌توان از آن استفاده کرد، او می‌گوید آثار ادبی مدارک اجتماعی و تصویرهای ارزشمندی از واقعیت‌های اجتماعی است و ادبیات، ویژگی هر دوره زمانی را ثبت می‌کند (درستی، ۱۳۸۱: ۳۲). تمرکز بر رویکرد انتقادی این متون با هدف نشان دادن تحولات، تحرکات و خاستگاه اجتماعی در ادبیات نوین فارسی، آن گونه که از سوی روشنفکران این دوره تاریخی فهم و ارائه شده، صورت گرفته است. درون مایهٔ متون این دوره که به اقتضای رویدادهای اجتماعی و در بستر نیاز جامعه پدید آمده است برخلاف سنت گذشتهٔ ادبیات فارسی، بیشتر بر محتوا به جای صورت تأکید دارد و قالب نثر را ابزار مناسب‌تری برای طرح مسایل گوناگون اجتماعی می‌یابد تا بتواند بهتر به توصیف و بازنمایی مسائل اجتماعی بپردازد و در نتیجه شرایط موجود را نقد کند.

در آثاری همچون *سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ* و *مسالک‌المحسنین* به عنوان نمادهای تجددخواهی، شواهدی از انتقادات اجتماعی و نگاه تعرضی روشنفکران و یا اصلاح طلبان دوره مشروطه به وضوح یافت می‌شود. رخدادهای اجتماعی در دوران مشروطه ساختار ادبی را به ویژه در نوشتار منثور تحت تأثیر قرار داد. دگرگونی‌های اجتماعی و ادبی در یکدیگر تأثیر متقابل داشتند و ادبیاتی را پدید آوردند که هم در شکل و هم در محتوا در خدمت خلق آثار انتقادی - اجتماعی و میهن پرستانه قرار گرفت و منعکس کنندهٔ تغییرات اجتماعی و سیاسی بود. ساختار ادبی سنتی ایران بر شعر بنا شده بود و به دلیل توجه به ملزومات زیبایی شناختی و آرایه‌های ادبی اگر نویسنده‌ای به نثر، حتی با موضوع تاریخی و اجتماعی می‌پرداخت، در این صورت برای پسند خاطر مخاطب آن را نیز با شعر آمیخته می‌کرد. بدون این ارزش بخشیدن شاعرانه نثر فارسی از نظر زیبایی شناختی، به عنوان یک شیوه بیانی مناسب به حساب نمی‌آمد. (کریستف بالائی، ۲۲۹: ۱۳۷۷) خصوصیت بارز اغلب متون نثر دوره مشروطه را می‌توان از منظر اندیشه و محتوا دارای ویژگی‌هایی همچون: واقع گرایی، توجه به امور دنیوی و روزمره، تجددخواهی، سنت شکنی و تقلید از نویسندگان اروپایی و رویکرد اعتراضی و انتقادی دانست.

۱-۱. اهمیت پژوهش:

ادبیات هر عصری زبان گویای تحولات اجتماعی و فکری هر جامعه است. کارآمدترین راه برای آشنایی با افکار و باورهای هر جامعه پژوهش در ادبیات آن است. بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان جامعه آراء و افکار انتقادی خود را در قالب داستان و سفرنامه به جامعه عرضه داشته‌اند. از آنجا که متون دوره مشروطه برپایه دگرگونی‌های تاریخی و اجتماعی، بخش قابل توجهی از ادبیات انتقادی-اجتماعی را به خود اختصاص داده است، نقد و تحلیل محتوایی آثار این حوزه جزو ضروریات پژوهش پیش رو قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری

۱-۲. ادبیات انتقادی

ادبیات انتقادی و به دنبال آن تحلیل گفتمان انتقادی در دهه‌های اخیر گستره وسیعی همچون ادبیات، جامعه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، هنر و روانشناسی را در بر گرفته است. آن چه که ادبیات را انتقادی می‌کند این ویژگی است که صورت‌های زبانی آزادانه انتخاب نمی‌شوند بلکه شرایط انتخاب از قبیل، قراردادهای اجتماعی، گفتمان غالب در جامعه، دانش زمینه‌ای گوینده و یا نویسنده، شرایط تاریخی، دانش اجتماعی و فرهنگی، صورت‌های زبانی را در متون ادبی تحت تأثیر قرار می‌دهند.

این شرایط توسط ایدئولوژی، جامعه و گفتمان تعیین می‌شود و تفسیر و تحلیل متون در فرایند فهم نقش‌ها، و معانی و تعاملات اجتماعی است. چرا که تعامل اجتماعی مبنی بر این فرض است که رابطه بین مردم و جامعه تصادفی و دلخواهی نیست بلکه به صورت نهادین تعیین می‌شود.

در همین راستا تاریخ‌گرایی نوین به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در مطالعه متون ادبی از نگاه تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌گردد که متأثر از آراء میشل فوکو است و این نکته که «گفتمان موضوعی تاریخی است». (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۹) در این نگرش، تاریخ زمینه‌ای برای ادبیات نیست بلکه ادبیات است که زمینه فهم واقعیت‌های تاریخی را فراهم می‌کند.

یکی از ویژگی‌ها و اهداف اصلی مراغه‌ای و طالبوف روشنگری و ارائه چشم‌اندازی در زمینه نمایش نظام‌های رفتاری و اجتماعی جامعه عصر قاجار است. برابری و بازتاب دقیق شرایط اجتماعی، اعتقادی و ارزشی جامعه در این متون اساس کار نویسندگان قرار گرفته است.

۲-۲- عصر مشروطه و اوج‌گیری انتقاد

تعامل و آشنایی با غرب مردم ایران را نسبت به بسیاری از حقوق اجتماعی و فردی محدود شدهٔ خود توسط حکومت آگاه کرد. در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه، با توجه به زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی به وجود آمده، مردم ابتدا به صورت پراکنده و سپس در جنبش‌های سازمان یافته حرکت‌های اعتراضی را آغاز کردند. هنگامی که ایران از سوی نیروهای خارجی تحت فشار بود، در داخل کشور نیز فشارهای زیادی از سوی حکومت قاجار بر مردم وارد می‌شد، در نتیجه روشنفکران و نخبگان جامعه به فکر چاره‌جویی افتادند و اشخاصی مانند میرزاملکم‌خان، طالبوف، مراغه‌ای، میرزا حسن رشديه، آخوندزاده و دیگران توانستند پایه‌های نوعی حکومت مردم محور را در جامعه بنا کنند و با آشنایی و آگاهی که از فرهنگ و تمدن‌های دیگر داشتند، با نوشته‌هایشان روشنی بخش اذهان مردم شوند و نیز با تلاش توانستند واژه‌هایی چون آموزش همگانی، قانون، عدالت، ملت، آزادی، وطن به معنی جدید آن، که از ملزومات مشروطه بود را در جامعه ترویج کنند و مسیر را برای نخبگان بعد از خود، افرادی چون دهخدا و بهار در مراحل بعدی اصلاحات هموار کنند.

عوامل اصلی و تأثیرگذار دیگری از جمله:

۱. گسترش و دگرگونی جامعه شهری و بالا رفتن نسبی سطح زندگی لایه‌های میانی جامعه و نیز پیدایش رسانه‌های جدید همچون روزنامه، مجله و هنرهای نو همچون سینما و تئاتر
 ۲. آشنایی با نظام قانون‌گذاری و ملاحظهٔ پیشرفت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دنیای متجدد.
 ۳. تغییر در مناسبات بازرگانی و فرهنگی میان ایران و همسایگانش از یک سو و ارتباط با اروپا از سوی دیگر، در وهلهٔ نخست موجب افزایش آگاهی روشنفکران و نخبگان ایرانی از اندیشه‌های آزادی خواهانه غرب شد و در نهایت این دگرگونی ذهنی و عینی به جامعه ایران تزریق شد.
 ۴. صدارت میرزاتقی‌خان امیرکبیر صدراعظم برجسته و اصلاحگر بزرگ که با بهسازی‌هایی که در نهاد دولت و همچنین فرهنگ و آموزش و پرورش انجام داد، زمینهٔ دگرگونی و فروپاشی خودکامگی را پدید آورد. نهالی که او کاشت، به یاری اندیشمندان، روشنفکران، انقلابیون پیشرو و تودهٔ مردم در چارچوب انقلاب مشروطه به بار نشست. تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر و توسعهٔ مدارس جدید و اشاعه یافتن افکار نو یکی از مهمترین عناصری بود که بعدها به وقوع انقلاب مشروطه منجر شد.
- مطالعه در پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دربارهٔ *مسالك المحسنين* و *سياحت‌نامه ابراهیم بیگ* در حوزه ادبیات و تاریخ مشروطه کتاب‌هایی پژوهشی با تمرکز بر تأثیر این دو کتاب بر بیداری ایرانیان و

نقش آن در تحول افکار و آراء صورت گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از: مقاله «تحليل رمان در افق گفتگویی آن» از حسینعلی قبادی و سیدعلی دسپ، با روش تحلیل گفتمان انتقادی به مطالعه کوتاه و موردی *سياحت نامه ابراهيم بيگ* و *مسالك المحسنين* پرداخته است. در *سياحت نامه* به کشاکش سنت و تجدد و تقابل این اثر با حکومت عقب مانده قاجار اشاره شده و در *مسالك المحسنين* به تحول در مطالبات اجتماعی، ترویج علم و نظم و قانون اشاره شده است (قبادی، ۱۳۹۴: ۸۷۷).

نویسنده این اثر در پی آن است که با ارائه نمونه‌هایی از رمان فارسی ضرورت تحلیل و سرچشمه دگرگونی‌های اجتماعی را براساس آثار ادبی مورد بررسی قرار دهد. تازه‌های اندیشه و زبان در کتاب *سياحت نامه* و نقد زبانی *سياحت نامه ابراهيم بيگ*، نوشته عصمت خویینی (خویینی، ۱۳۹۰). «*سياحت نامه ابراهيم بيگ*» یا «بلای تعصب او» نوشته راضیه جمالی سنگری از جمله مقالاتی است که در خصوص *سياحت نامه* با رویکرد پژوهش ادبی صورت گرفته است (جمالی سنگری، ۱۳۸۵).

درباره بُعد محتوایی از منظر اندیشه‌های انتقادی- اجتماعی و نیز مقایسه این دو اثر تا آنجا که جستجو شد تاکنون کار پژوهشی مستقلی صورت نگرفته است. رویکرد انتقادی و اجتماعی *مسالك المحسنين* و *سياحت نامه ابراهيم بيگ*، مهمترین و تأمل برانگیزترین بخشی است که به شرح و توصیف جامعه ایران در عصر قاجار می‌پردازد. طالبوف و مراغه‌ای برای رساندن پیام خود به مخاطب و ایجاد حس همدلی، قالب سفرنامه را که می‌تواند واقعیت‌های جامعه را برای خواننده بازآفرینی کند برگزیده‌اند. این قالب برای پرداختن و توصیف نارسایی‌ها، آداب و آیین‌ها و روحیات مردم و همچنین نقش حاکمیت و تأثیر آن در جامعه بهترین گزینه بوده است.

۲-۳. روش پژوهش

روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش مانند سایر تحقیقات ادبی به شیوه رایج پژوهش اسنادی و با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. تحلیل مضمونی هم به عنوان روش و رویکردی جدید در بررسی درون مایه‌های *سياحت نامه* و *مسالك المحسنين* برای نشان دادن تأثیر آن بر تحولات فکری پیش از مشروطه به کار رفته است.

۲-۴. جامعه‌شناسی ادبیات

بازتاب مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آثار ادبی همواره مورد توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است. تحقیق در سیر اندیشه نظریه‌پردازانی مانند مادام دواستال، روبراسکارپیت، هیپولیت تن، میخائیل باختین، جورج لوکاک، لوسین گلدمن، فرکلاف و میشل

فوکو بیانگر رابطهٔ جامعه و آثار ادبی و تأثیر عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در خلق آثار ادبی است.

در بحث از رابطهٔ ادبیات و جامعه، همواره باید این مسئله را در نظر گرفت که ادبیات به اعتبار مادهٔ اصلی آن، یعنی زبان، ذاتاً پدیده‌ای اجتماعی است. زبان در ارتباط انسان‌ها با همدیگر ساخته می‌شود و روبه تکامل می‌نهد و آن‌گاه که به وسیلهٔ شاعر یا نویسنده برای بیان مفاهیم عینی و ذهنی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از آن به ادبیات تعبیر می‌کنند. (عسگری، ۱۳۷۸: ۹-۲)

احمد کسروی در «تاریخ مشروطه ایران» هم اشاره مهمی به نفوذ و جایگاه کتاب میان توده مردم دارد: «ارج آن را کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و تکانی را در خواننده پدید می‌آورد به یاد می‌دارند...، انبوه ایرانیان که در آن روز خو به این آلودگی و بدی‌ها گرفته بودند و جز از زندگی بد خود به زندگانی دیگر گمان نمی‌بردند از خواندن این کتاب تو گفتمی از خواب بیدار شدند و تکان سخت می‌خورند. بسیار کسان را توان پیدا کرد که از خواندن این کتاب بیدار شده و برای کوشیدن به نیکی کشور آماده گردیده و به کوشندگان دیگر پیوسته‌اند.» (کسروی، ۱۳۸۸: ۵۳) چنین کتابی در آن دوره می‌توانست به قیمت جان نویسنده تمام شود، بی‌جهت نیست که نام نویسنده تا سالها بعد مخفی ماند. این تأثیرگذاری و نفوذ اجتماعی تا جایی است که عبدالله مستوفی در «زندگی من» یکجا «سیاحت نامه را همراه کتاب احمد اثر طالبوف و رساله‌های اقبال الدوله یکی از سه اثر ممتازی می‌شمارد که در تغییر رژیم از استبداد به مشروطه مؤثر بوده‌اند.» (سپانلو، ۱۳۹۳: ۹-۸)

ناظم الاسلام کرمانی در «تاریخ بیداری ایرانیان» اذعان می‌کند که در انجمنهای مخفی آزادیخواه پیش از مشروطه، «سیاحت نامه ابراهیم بیگ» را می‌خواندند. وی از جلسه‌ای می‌گوید که بخش خطاب به وزیر داخله را می‌خواست بخواند. از هراس بابت خواننده شدن اهالی آن مجلس می‌گوید و اینکه حتی این جواب را هم در صورت گرفتاری و ایراد ضاله بودن کتاب از سوی ملاها حاضر کرده بودیم که بگوییم «ما برای اینکه ردی بر آن بنویسیم و بعضی مطالب آن را نقض کنیم آن را می‌خواندیم» (کرمانی، ۱۳۹۱: ۱۶۵)

لوسین گلدمن یکی از پژوهشگران و نویسنده‌گان سرشناس در عرصهٔ جامعه‌شناسی ادبیات است. به باور گلدمن، قهرمان رمان فردی مسئله‌دار است که در جامعه‌ای که ارزش‌های کمی نظیر کالا و سرمایه اهمیت اساسی دارد به جست‌وجوی ارزش‌های اصیل و کیفی و راستین برمی‌آید. ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، عشق، و... اما جست‌وجوی او اهریمنی و بی‌حاصل است؛ زیرا خود نیز می‌داند که در

چنین جامعه‌ای یک‌بار برای همیشه ارزش‌های کمی‌جانشین ارزش‌های کیفی شده‌اند. بنابراین انزوا و تنهایی و درون‌گرایی تنها راه‌گزین انسان مسئله‌دار در جامعه مدرن و در عین حال تباه معاصر است. (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۶-۳۲)

تشابه ویژگی برخی از آثاری که هم‌زمان نوشته شده‌اند ناشی از این است که ساختارهای دنیای یک اثر ادبی با ساختارهای فکری برخی از گروه‌های اجتماعی، که در همان زمان زندگی کرده و تجربیات مشترکی کسب کرده‌اند، مشابهت دارد، ولی نویسنده در خلق دنیای تخیلی این آثار، که اغلب متفاوت از یکدیگر هستند، آزادی کامل دارد. نویسنده بزرگ کسی است که موفق می‌شود در زمینه‌ای خاص اثری خلق کند که ساختار دنیای تخیلی آن با ساختار جامعه‌ای که مجموعه یک گروه اجتماعی در چهارچوب آن قرار می‌گیرد همگون یا تقریباً همگون باشد. (کهنمویی پور، ۱۳۸۹: ۷۰). گلدمن بر این مسئله تکیه دارد که در تحلیل یک اثر منتقد نباید درصدد کشف رابطه واقعیت اجتماعی و محتوای آن باشد، بلکه باید به کشف رابطه ساختار مکان اجتماعی، محل پدیدآیی اثر و قالب‌های ادبی پردازد، به خصوص قالب ادبی به کاربرده شده در آن اثر. (همان: ۷۳)

طالبوف و مراغه‌ای با انتخاب قالب سفرنامه، از این جهت که کمتر نیازی به اغراق‌های هنری دارد، روایتی مستند و همه‌جانبه، از تمام ابعاد اجتماعی جامعه ایران عصر قاجار در اختیار خواننده قرار می‌دهند. تشابه و ویژگی‌های مشترک ساختاری هر دو اثر بر این نکته تأکید دارد که شرایط خاص اجتماعی دربرگیرنده و پرورنده اندیشه نویسنده است.

۲-۵. شاخصه‌های برجسته، در ادبیات مشروطه

مختصات فکری ادبیات مشروطه، احساس تعهد نویسنده نسبت به جامعه است. او برای جامعه می‌نویسد و منافع عمومی را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد. از حس ملی‌گرایی قوی برخوردار است و آماده است تا همه چیز و همه کس خود را در راه وطن و افتخار و سربلندی آن فدا کند. نویسنده متعهد و اصلاح طلب عصر مشروطه، متکی بر علم و عقل‌گراست و طرفدار خردورزی، اما سراپا از آتش شور و هیجان و نوگرایی و تجدد طلبی گرم است. کوچک‌ترین بارقه تغییر و تحول در دستگاه حکومتی او را به اوج امید می‌رساند و مشاهده‌کننده روند اصلاح طلبی دوباره بر زمینش فرود می‌آورد. به همین دلیل زمانی بسیار امیدوار و شادمان است و زمانی دیگر به شدت سرخورده و مأیوس.

محتوای این متون بر قدرت و توانایی‌های فردی و چاره‌گری برای حل مشکلات توده‌های جامعه تأکید دارد. ورود واژگان جدید که مفاهیم جدیدی را نیز به همراه دارند بر غنا و وسعت آن می‌افزاید. نویسنده به خود جرأت می‌دهد تا پا را از دایره موضوعات صرف ادبی چون گل و بلبل، می و معشوق و بید و جویبار و سرو و گلستان بیرون بگذارد و در همه مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اظهار نظر کند.

در متون این دوره می‌توان کاهش بی‌سابقه لغات مربوط به حوزه عرفان و تصوف را مشاهده کرد. در مقابل، لغات و اصطلاحات عامیانه در ادبیات این دوره افزایش چشم‌گیری یافته است. بیان مستقیم جملات، کاربرد اجزای جمله در جای خود، کاهش جملات عربی و نزدیک شدن نثر جملات به نثر عامیانه و محاوره‌ای از دیگر ویژگی‌های این متون است.

از دیگر ویژگی‌های اصلی ادبیات مشروطه می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

- ۱- مطالبه‌ی نیاز جامعه به عدالت اجتماعی و توجه به حقوق زنان.
- ۲- آزادی خواهی و مبارزه با خودکامگی و مطلق‌گرایی دولت تحت سلطه‌ی قاجار.
- ۳- انتقاد از فساد نظام اداری، انتقاد از فساد نخبگان ایران و همچنین ریاکاری و بی‌سوادی مسئولان دولتی.

۴- تقاضای مساوات برای تعلیم و تربیت، تأکید بر حقوق و آزادی‌های فردی، توجه به پیشرفت غرب و تأکید بر ملیت ایرانی.

۲-۶. طالبوف و مسالک‌المحسنین

عبدالرحیم طالبوف (۱۲۹۰-۱۲۱۳ ش/۱۸۳۴-۱۹۱۱ م) یکی از نخستین چهره‌های اصلاح‌گرا و نمایندگان جریان تجددخواهی بود، او کوشید ارزش موضوع‌های اجتماعی-انتقادی را در ادبیات نوین ایران مطرح کند و زمینه ساز رشد نویسندگان دیگری همچون زین‌العابدین مراغه‌ای باشد. یکی از کتاب‌های بسیار مهم وی، *مسالک‌المحسنین* است که آغازگر سبکی نوین در ادبیات اجتماعی ایران است. این کتاب روایت یک سفر خیالی است که به گفته بعضی محققان، «به شیوه کتاب همفری دیویی، دانشمند انگلیسی نوشته شده است». (طالبوف، ۱۳۹۶: ۵) *مسالک‌المحسنین* سفرنامه خیالی گروهی از جوانان و دانشمندان به قلّه دماوند به منظور انجام دادن تحقیقات علمی برای انگلستان است.

۲-۷. زین العابدین مراغه‌ای

یکی دیگر از تأثیرگذارترین نویسندگان و منتقدان اجتماعی این دوره زین العابدین مراغه‌ای (۱۲۱۷-۱۲۹۰ش / ۱۸۳۸-۱۹۱۱م) است که با اثر معروف خود، *سیاحت نامه ابراهیم بیگ* نخستین نمونه نثر فارسی را در قالب انتقادی و اجتماعی، با تقلید از الگوی اروپایی وارد ادبیات فارسی می‌کند. دیدگاه انتقادی مؤلف در این کتاب به شکل روایتی داستانی در قالب سفرنامه، در واقع مستندی از جامعه ایران دوره قاجار است. هدف نویسنده به تصویر کشیدن وقایع اجتماعی، نقد مشکلات جامعه و انفعال و بی‌اعتنایی مردم ایران نسبت به هرگونه هرج و مرج و بی‌قانونی و سکوت نسبت به وضع موجود است. قهرمان داستان ابراهیم بیگ، یک تاجرزاده ایرانی و دارای تعصبات ملی و میهنی ساکن مصر است که پس از درگذشت پدر و بنا به وصیت او به ایران سفر می‌کند. به قصد زیارت امام رضا (ع) ابتدا راهی استانبول و سپس از آن جا عازم مشهد می‌شود. در طول سفر به سفارش پدر، دیده‌ها و شنیده‌ها و حوادث پیش آمده را یادداشت می‌کند و بدین ترتیب پس از بازگشت، *سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیگ* از میان یادداشت‌های وی شکل می‌گیرد.

در همان بخش‌های آغازین جلد نخست کتاب، از نویسندگان در خارج از کشور می‌خواهد «اصلاحات اجتماعی حمایت و به اهمیت نشر، به عنوان ابزار پیش برنده چنین اصلاحاتی، توجه کنند. او می‌افزاید که تحقق اصلاحات برای اداره کشور لازم است». (تلفظ، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۶) مشاهده ابراهیم بیگ از وضع تأسف انگیز ایران که پیش از سفر به آن بسیار عشق می‌ورزید و از بردن نام آن حس غرور می‌کرد موجب اعتراض وی می‌شود و با زبانی گزنده به نقد مسائل اجتماعی می‌پردازد.

۲-۷-۱. سیاحت نامه ابراهیم بیگ:

این اثری ادبی-انتقادی-اجتماعی، پیشتاز رمان نویسی اجتماعی در ایران شناخته می‌شود. میرعابدینی «*سیاحت نامه ابراهیم بیگ*» را نیز در کنار «*مسالك المحسنين*» از نخستین داستان-سفرنامه‌های تخیلی می‌گذارد. به نظر میرعابدینی و همچنین آراین پور، این داستان سفرنامه‌ای بیشتر از آنکه به لحاظ داستان پردازی خواندنی باشد و ارزشهای ادبی داستان محل توجه باشد، ارزشهای سیاسی و اجتماعی آن از جهت تصویرگری نقادانه از شیوه‌های زیست گروه‌های مختلف جامعه تحت حاکمیت جهل و استبداد و نقد اوضاع اجتماعی اهمیت تاریخی بیشتری دارد. (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۱ و آراین پور، ۱۳۸۷: ۳۱۰) در جلد اول که قطعاً بهترین جلد است با مشاهدات و توصیفات ابراهیم بیگ جوان از ایران مواجهیم. وی مواجهه‌ای انتقادی با هر آن چیزی دارد که زیست جهان ایرانی آن زمان را می‌

ساخت. از این جهت بیراه نیست که سیاحت نامه را «دایره المعارف جامع اوضاع ایران در اواخر قرن سیزدهم» (آرین پور، ۱۳۸۷: ۳۰۹) بدانیم. با خواندن این کتاب می توان با گفته آدمیت در «ایدئولوژی نهضت مشروطیت در ایران» همراه شد: این کتاب «انتقاد همه جانبه ای است بر هیئت جامعه ایرانی که سیاست، اقتصاد، روحانیت، اخلاق، تعلیمات، اعتقادات و تقریباً همه متعلقات اجتماعی را نقادی می کند» (آدمیت، ۱۳۸۸: ۸۹)

سیاحت نامه ابراهیم بیگ، جزء آثار بی‌شمار بوده که با اقبال عمومی در همان زمان مواجه شده است. از نظر نفوذ اجتماعی او را در زمان انقلاب مشروطه قابل مقایسه با «قرارداد های اجتماعی» ژان ژاک روسو در انقلاب فرانسه می دانند. (سپانلو، ۱۳۹۳: ۷) البته خود نویسنده هم در سیاحت نامه متوجه این مقایسه است. به گفته توکلی طرقی در «تجدد بومی و بازآرایی تاریخ»، مراغه ای اعتقاد دارد که انقلاب فرانسه و انقلاب مشروطه عیناً نعل به نعل مطابق هم پیش می رود. حتی تاریخ انقلاب فرانسه را در ۴ پرده می گوید تا به پرده آخر، کشتن خاندان سلطنتی می رسد. البته امیدوار است آنها مصلح شوند و آن پرده آخر تکرار نشود اما اگر خیرخواه نشوند حتماً در تیاتر تهران این پرده آخر هم تماشا خواهد شد! (توکلی طرقی، ۱۳۸۱: ۲۳۰-۲۲۹)

۳. داده های تحقیق

سیاحت نامه و مسالک‌المحسنین به صورت مدارکی کاملاً مستند، اطلاعات جامع و گوناگونی دربارهٔ شرایط اجتماعی ایران عصر قاجار، و آداب و رسوم رایج در آن به دست می دهند. جامعهٔ ایران با فرهنگی سنتی و حکومتی استبدادی، در رویارویی با تجدد غرب، دگرگون شد و حاصل این دگرگونی منجر به پیدایش اندیشه های نوگرا، با رویکردهای گوناگونی شد. این نوگرایی در ۴ سطح از جمله:

- ۱- نخبگان حکومتی، غیر حکومتی و دیوانسالاران.
- ۲- روشنفکران مذهبی، که سید جمال اسدآبادی یکی از مهمترین پیشگامان آن بود.
- ۳- روشنفکران آزادیخواه غیر مذهبی، همچون آقاخان کرمانی و آخوندزاده که تسلیم بی قید و شرط تقلید از غرب بودند، و آشکارا به نفی مذهب یا جداسازی آن از امور سیاسی و اجتماعی پرداختند.
- ۴- روشنفکرانی که در مرز بین سکولاریسم و اندیشهٔ مذهبی قرار داشتند. این گروه خواستار حفظ اصالت فرهنگی و هویت ایرانی در کنار اخذ دانش، فنون و بنیادهای اجتماعی و سیاسی جدید بودند و تقلید بی چون چرای غرب را رد می کردند، مراغه ای و طالبوف، نمایندهٔ این گروه از روشنفکران

بودند. از ویژگی های مشترک این جنبش فکری می توان، تمایل به واقع گرایی و جستجوی راه حل های عقلانی و فلسفی در کنار تطبیق اندیشه های مذهبی را نام برد.

کتاب *مسالك/المحسنين* برای پیشرفت و ترقی، مردم را به اخذ تمدن فرنگی ترغیب می کند ولی برای این کار شیوه خاصی دارد. طالبوف از تقلید بی قید و شرط از غرب، بدون توجه به ساختار فرهنگی و اعتقادی مردم ایران انتقاد می کند و هشدار می دهد که: «هر ایرانی که وطن خود را مثل بلاد اروپا بخواهد، آرزوی آزادی و مساوات آن ها را بکند، به کثرت بلاد ایشان حسد ببرد، در اعمال و اقوال تقلید آن ها را نماید، و سیویلیزاسیون را تهذیب اخلاق بداند دشمن دین و وطن خود می باشد». (طالبوف، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۴)

یکی از برجسته ترین نویسندگان و پیشگامان این جنبش اجتماعی طالبوف بود، وی رکود علمی و فنی ایران را که از خودکامگی و بی توجهی حاکمان نسبت به توده مردم نشأت می گرفت، عامل اصلی عقب ماندگی جامعه ایران می دانست. در سرتاسر کتاب *مسالك/المحسنين* با نگاهی واقع گرا یا رئالیستی از چگونگی احوال مردم و گرفتاری های کشور و همه گونه موضوع های عمومی و اجتماعی سخن می رود و برای نخستین بار خواننده را درباره تفکرات موروثی غلط به تأمل و تفکر وا می دارد. «این کتاب تصویری از اجتماع زمان خود را با همه سجایایش، از سازمان اداری، نظام اجتماعی، خصوصیات و روابط گروه ها و طبقات اجتماع، و اخلاق اجتماعی ملت ما به دست می دهد. بسیاری و شاید، تقریباً تمام افکار زمان خود را، از کهنه و نو، منعکس می سازد و در قصه های رویایی خود، کهنه ها را زیر پا می گذارد و بنایی نو با روبنایی نو برپا می دارد». (طالبوف، ۱۳۹۷: ۲۸) طالبوف در پی ریشه یابی علل عقب ماندگی ایران و جوامع اسلامی در مقایسه با پیشرفت جوامع مسیحی و غربی به تفسیر جدیدی از مذهب روی می آورد و علت اصلی مشکلات جوامع مسلمان را نفاق، تعصبات مذهبی و چشم بستن به روی واقعیت های نوین اجتماعی می داند و می نویسد: «با اتحاد مذهب سنی و شیعی رفع اختلاف منتج ضعف مخرب ارکان استقلال دولت اسلام حاصل می شود. عداوت و عصبیت مصنوعی، که سلاطین صفویه و آل عثمان برای پولتیک جهانگیری خودشان سرزده اسباب نکبت و انقراض قریب الوقوع امروزی اخلاف خود را فراهم آورده اند، بدل به محبت طبیعی آسیایی و مشرقی و مسلمانی گردد. ایام جهل و تعصب گذشته و به دوره آزادی عقاید و احترام ادیان ملل داخل شده ایم.» و کلام خود را با این نظر عرفانی تکمیل می کند که: «هر کس هر چه می داند او را حق می پندارد، و هر طایفه هر چه دارد به او

خشنود است. ناشرین این همه عقاید متباینه و اقوال مختلفه اعلم و اعقل اعصار خود بودند. پس بهتر آن است که در محاوره هر کس رأی و دلیل خود را واضح و ساده بگوید و ایراد کند، و در عدم قبول "لگم دینکم و لی دینی" را میزان عمل نماید». (همان، ۶۷:۶۸).

۵- بیان سویه‌های اجتماعی و عینی در مقابل موضوعات انتزاعی

بزرگان مشروطیت، سنت‌های مختلف از جمله سنت‌های ثابت ادبی را بازتاب و مظهری از شرایط ایستای فرهنگی و اجتماعی در طول قرن‌های متمادی می‌دانستند و دوام تغییر ناپذیری آن‌ها را نیز در ذهنیت منفعل جامعه مؤثر می‌دیدند، بنابراین، پیش پای خویش راهی جز نکوهش ساختارهای سنتی و ایجاد زمینه برای تغییرات اساسی نمی‌یافتند. از این روی سنت شکنی و نکوهش مظاهر سنتی به صورت یکی از بارزترین مشخصه‌ها و مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطه در آمد. این امر، برآیند طبیعی نهضتی بود که پس از قرن‌ها جمود فکری و ایستایی جامعه‌ای استبداد زده بروز می‌کرد و می‌خواست مایه دگرگونی‌های اساسی شود.

تجددگرایان که سرآمدان فکری و فرهنگی مشروطیت محسوب می‌شدند، در راستای بیدارگری و اصلاحات بنیادی خود به بازنگری تاریخ و فرهنگ سرزمینشان مبادرت کرده و نتیجه‌ی بازنگری آن‌ها غالباً این نظر بود که زمینه و عوامل اصلی انحطاط و توسعه نیافتگی ایران، سنن و میراث‌های بی‌مصرف دست و پاگیر و ناکارآمدی است که جامعهٔ ایران در طول قرن‌های متمادی بدان پایبندی و وابستگی داشته است. بنابراین نخستین اموری که مورد انتقاد آنان واقع می‌شد همین سنن و میراث بود که به زعم آنان منشأ بدبختی و فلاکت درازمدت تاریخی گشته بود. در برابر آن شیوه‌های رایج ادبی و رسوم فکری، به ضرورت وجود نقد و انتقاد در آثار ادبی به عنوان یکی از مهمترین دلایل ترقی مغرب زمین، و بیان معایب کشور و مردم پرداختند. یکی از مهم‌ترین میراث‌ها از نظر آنان، سنن و آثار ادب فارسی بود، بنابراین سنن ادبی مورد انتقاد واقع شده و دستاوردهای اخلاقی و اجتماعی آن، در بسیاری موارد، مخرب معرفی می‌شدند.

مراغه‌ای در سیاحت‌نامه تمامی طبقات جامعه ایرانی را مورد چالش و داوری قرار داده است. محتشمان، بنکداران، انبارداران، مرثیه‌خوانان، درویشان و رمالان، همهٔ موارد باز بینی و تأمل شده است. مراغه‌ای مشکلات جامعه‌ی ایران را با هدف اصلاحات اجتماعی مطرح کرد و با توصیف رسوم و عادات مردم عصر خود، آیین‌ها و آداب مردم شهرهای گوناگون ایران را مورد توجه همگان قرار داد. «فقر بدبختی تیره روزی و ناامنی و ستم و بی‌قانونی با مردمانی غرق در خواب مستی و بی‌خبر از عالم هستی می‌بیند

با خمشی برآشفته از میهن پرستی دروغین پرشور سرخورده‌ای که در خود احساس می‌کند دست به قلم می‌برد و هرآنچه از سختی‌ها می‌بیند اسیر خامه‌ی خود می‌کند. تکرار ترجیع بند او که، مرده‌اند، ولی زنده زنده‌اند؛ ولی مرده». (آرین پور، ۱۳۸۲: ۳۰۹).

یکی از مفاهیم مهم مطرح شده در *سیاحت‌نامه* تلاش برای تغییر معنایی و فهم درست مردم از واژه وطن بود. وطنی که در ادبیات مشروطه راه پیدا کرد، یک مفهوم سیاسی و میهن پرستانه را در برداشت که تا آن زمان بی سابقه بود. مراغه‌ای برای تفهیم مصداق جدید از وطن چنین می‌گوید: «ای بابا! مقصود از وطن این وطن صوری نیست. آن وطن مصر و عراق و شام نیست / آن وطن شهری است کو را نام نیست حال آنکه کج فهمیده‌اند و کج می‌گویند. پیغمبر بزرگوار ما، علیه‌السلام، برای حفظ و حب وطن اخروی، درع به تن مبارک خود راست نمی‌فرمود؛ وطنی که به حب آن مأموریم همانا خاک پاکی است که در آن به عرصه‌ی وجود آمده‌ایم». (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۷۱)

۶- پیامدهای اجتماعی رقابت بین روشنفکران و سنت‌گرایان در دوران مشروطه

در اندیشه تجددگرا، بین دانش و مدرنیته، رابطه‌ای ناگسستگی برقرار است و بنای علم، نه بر پایه‌های ماوراءالطبیعه بلکه خرد، مشاهده و تجربه است. ظهور گروه جدیدی از نویسندگان در عصر قاجار که تحت تأثیر تحولات و پیشرفت غرب بودند، با هدف آگاهی دادن و ارتقاء بینش اجتماعی و سیاسی، گفتمان نوین ناسیونالیست و سکولار را به تدریج به زبان معیار، برای بیان مسائل اجتماعی، جهت‌رهایی از سلطه بدل کرد. عینیت‌گرایی، واقعیت‌گرایی و تجربه‌گرایی، رویکرد و آرمان اغلب نویسندگان دوره مشروطه از جمله مراغه‌ای و طالبوف به مسائل اجتماعی است. البته تمامی این نویسندگان بجز تعدادی اندک، می‌دانند که بدون جلب همکاری و اعتماد روحانیون، نمی‌توانند فکر اصلاحات را به مرحله‌ی عمل و اجرا نزدیک کنند. و این نکته‌ای است که طالبوف و مراغه‌ای نیز به آن واقف بودند. آثار طالبوف و مراغه‌ای، که از پرنفوذترین آثار قلمی در بحبوحه انقلاب مشروطه بودند و به اذعان کسروی باید آنها را از «انگیزه‌های بیداری ایرانیان شمرد». (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۱۳) بر فرآیند این تعامل، بین سنت‌های فکری گذشته و اندیشه‌های نوین علمی و تجربی غرب، تأثیر گذار بود. مواجهه سنت و تجدد، سرآغاز پیدایش تضادهای بنیادین و شکاف‌های اجتماعی در ایران است.

تلاش روشنفکران برای به نقد کشیدن سنت‌های نادرست و باورهای خرافی، ارزش‌های تثبیت شده اجتماعی را زیر سؤال برد. وارد شدن مفاهیم جدید از طریق گفتمان روشنفکری تفسیرهای متفاوتی بین

بنیادها و تیپ‌های گوناگون اجتماعی ایجاد کرد. طرح موضوعات جدید که براساس واقعیت‌ها و رخدادهای تاریخی و اجتماعی و سیاسی به وجود آمد و متأثر از ادبیات اروپایی بود، مفاهیمی جدیدی از جمله: ملت، قانون، دموکراسی و آزادی، هویت ملی و فردی را در ادبیات روز جاری کرد و بین نهادهای اجتماعی اعتبار بخشید. این نهادها که متولیان آن شامل روحانیون سنتی، روحانیون ترقی خواه، دبیران و منشیان دیوانی وابسته به دربار و روشنفکران تجددخواه متأثر از ادبیات اروپا بود را وارد گفتمان جدیدی کرد. این گروه‌ها در مورد رد یا پذیرش الگوی تمدن و دستاوردهای غرب با چالش مواجه شدند. در این گفتمان نوظهور معیارهای سنتی و پدرسالار حاکم بر ادبیات کهن به نقد کشیده شد و مضامین فکری و اجتماعی معیار سنجش قرار گرفت. طرح نکات انتقادی و نقد رئالیستی در برابر سنت تاریخ‌نویسی و حکایت‌گویی و بحث‌های موشکافانه لفظی و معنوی و لغتی قرار گرفت و هویت سنت‌های قراردادی در جامعه زیر سؤال رفت. برخی در تلاش برای حفظ سنت‌های اجتماعی بودند و برخی با این تفکر که سنت‌های مذهبی مغایر با نظام مشروطه‌ی غربی است، به تبلیغ تجدد اروپایی و رد تعصبات سنتی می‌پرداختند و برخی از دین به عنوان ابزاری برای رسیدن به غایات اجتماعی بهره می‌بردند. نقد مسائل اجتماعی در خور انتقادی همچون جهل، بی‌عدالتی و خرافه پرستی در مقابل موعظه و نصیحت قرار گرفت.

آغاز پیدایش بن‌مایه‌های انتقادی و اجتماعی در ادبیات ایران همراه و همزمان با تحولات تاریخی، فکری و اعتقادی شکل گرفت. این دگرگونی‌های بنیادی براساس الگوهای تجربه شده در غرب پدیدار شد. روشنفکران ایرانی تحت تأثیر جوامع قانون مدار و دموکراتیک غربی قرار گرفتند و رشد علوم اجتماعی را زمینه ساز پیشرفت جامعه می‌دانستند و دستاوردهای علمی غرب را ستایش می‌کردند. روشنفکران ایرانی دریافتند تفکر دنیوی اندیش غربی، که موجب اصلاحات گسترده اجتماعی شده، در گام نخست و پس از گذشتن از مسیری پرفراز و نشیب در پی تحلیل، تفسیر و برطرف کردن تضادها میان اندیشه معنوی و مسائل دنیوی برآمده و تفکیک این دو به پیشرفت جوامع غربی کمک کرده است. طالبوف در *مسالک المحسنین* پیشرفت جامعه‌ی ایرانی را در گرو به کارگرفتن الگوهای فرهنگی می‌داند، ولی با توجه به شناختی که از جامعه ایران دارد از الگو برداری بدون قید و شرط انتقاد می‌کند. از قول پدری به پسرش می‌گوید: «ترا علم آموختم که اداره ملی را آشنا بشوی، حب وطن را بفهمی، سلطان وقت را پرسی، عواید خود را محترم بداری و از هیچ ملت، جز علم و صنعت و معلومات مفیده، چیزی قبول نکنی. تقلید نمایی، یعنی در همه جا و همیشه ایرانی باشی، و از برکت علم و معاشرت

خارجی بفهمی، حالی شوی که مشرق زمین غیر از مغرب زمین است. مبدا تمدن مصنوعی یا وحشیت واقعی آن‌ها ترا پسند افتدا». (طالبوف، ۱۳۹۷: ۶۳)

یکی از مهم‌ترین تشابهات و اهداف فکری طالبوف و مراغه‌ای، تلاش برای از بین بردن خصومت میان مذهب و مدرنیته بود، تا آرزوهای روشنفکری خود را محقق کنند. به همین دلیل کمتر از سکولاریسم و جدایی دین از سیاست صحبت به میان می‌آورند. در عوض از نوسازی و تحول در هویت دینی و به روز شدن احکام دینی صحبت می‌کنند. پذیرش و اخذ هویت مدرن در نگاه این دو نویسنده (طالبوف و مراغه‌ای) مشروط بر توجه به واقعیت‌های جامعه ایران، و فرهنگ سیاسی- اجتماعی بومی آن است. پذیرش وجه عقلانی و آزاد خواهانه‌ی مدرنیته، که موجبات رهایی از جهل و نادانی است.

۷- احقاق حق طبقات محروم اجتماعی و طرح مطالبات مردمی به واسطه قانون

برای جامعه‌ای که دچار آسیب‌هایی همچون استبداد، بی‌قانونی، فساد اداری، فقر و بی‌سوادی است اصلاح ساختار اجتماعی از ضروریات آن جامعه است. خواسته مشترکی که جریان‌های مختلف اجتماعی را تحت عنوان مشروطه خواه گرد هم آورده بود شامل استقلال طلبی، برقراری امنیت، رفاه عمومی، عدالت و قانون را در بر می‌گرفت. تلاش برای هدایت نوشتار به سمت و سوی عدالت خواهی و متعهد کردن تمام گروه‌های جامعه به قوانین اجتماعی از ویژگی‌های ادبیات این عصر است. روشنفکران به عنوان نخبگان و نمایندگان مردم طراح مطالبات مردمی از طریق قانون بودند و به مصاف با سلطه‌گری حکومت یکه سالار و نویسندگان ادبیات محافظه کار وابسته به دربار رفتند. ایجاد انگیزه برای رسیدن به جامعه‌ای بهتر و محقق شدن عدالت اجتماعی با زنده کردن حس هویت ملی و تعهد فردی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای روشنفکران بود. نویسندگان با ترسیم، شخصیت‌سازی و به تصویر کشیدن جامعه عصر قاجار، کمبودهای ناشی شده از بی‌عدالتی و تبعات آن از جمله: بی‌نظمی، دروغ و نیرنگ، رشوه‌خواری سودجویی، تعصبات کور، بی‌توجهی و ظلم به توده‌ها و ظلم به افراد فرودست را به نقد کشیدند. طالبوف در *مسالك/المحسنين* به اظهار عقیده در مورد روش حکوت داری و اجرای قانون می‌پردازد و می‌گوید: «علت ترقی ملل مغرب زمین یکی این است که آفتاب علم و صنعت از مغرب طالع شده و دیگر قانون ایشان است که خود ملت برای مصالح امور خود وضع می‌کنند و حکومت اجرا می‌نماید». (طالبوف، ۱۳۹۷: ۱۱۹) و در توضیح قانون را این چنین معرفی می‌کند: «قانون یعنی فصول مرتب احکام مشخص حقوق و حدود مدنی و سیاسی متعلق به فرد و جماعت و

نوع را گویند، که به واسطه او هرکس کاملاً از مال و جان خود مطمئن و از حرکات خلاف خود مسئول بالسویه می‌باشد». (همان، ۱۲۱) و در پاسخ به شخصی که قوانین شرعی را کامل و محدود به زمان نمی‌داند می‌گوید: «گفتم چرا برای هزار سال قبل بسیار خوب و به جا درست کرده، بهترین قوانین تمدن و شرایع ادیان دنیا بوده و هست. ولی به عصر ما که هیچ، نسبت به صد سال قبل ندارد. باید سی هزار مسئله جدید بر او بیفراییم تا اداره امروزی کافی باشد». (همان، ۱۳۱) طالبوف پریشانی و عقب ماندگی ایرانیان را نتیجه‌ی دو عامل می‌داند: «یکم، فقدان قانون و سلطه‌ی سلطنت ظلم و دوم، جهل عمومی و انحطاط مدنی و علمی». (اکبری، ۱۳۸۶: ۱۹۴)

قانون را مقدمه ضروری این امر تشخیص داد و نوشت: «هرجا قانون نیست سعادت و برکات نیست». (طالبوف، ۱۳۴۶: ۱۲۷) مشاهده انحطاط عظیم فکری، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، راوی را به مقایسه ایران عصر قاجار و غرب کشاند. برای آگاه کردن ملت ایران و با توجه به نحوه برخورد ملل متمدن با امور اجتماعی، به اجبارهای اجتماعی رایج در نظام سیاسی دیگر کشورها اشاره کرد و نتیجه گرفت که «تحت اجبار مردم ملل هم جوار همه آگاه و باسواد هستند». (همان، ۹۲) او وضعیت فعلی را با دو وضعیت دیگر مقایسه می‌کند که این امر بر شدت تأسف و تحسر او می‌افزاید. جامعه فعلی از سویی دورنمایی از مجد و عظمت و افتخار گذشته پر از جلال و جبروت امپراطوری ایران را پشت سر دارد. از سوی دیگر الگویی آرمان گونه از پیشرفت سریع و باور نکردنی غرب را پیش رو دارد.

راوی در اصالت دادن به فرد یا جامعه نیز اسیر همان تضاد و سرگردانی است. او زمانی فرد و عزم و اراده او را مسبب امور بزرگ و مهم می‌شمارد و زمانی دیگر شرایط اقلیمی و اقتصادی و مقتضیات دینی و اعتقادات کل جامعه را در تاریخ تحولات آن عنصر اصلی و مهم به حساب می‌آورد. او به شدت علم گراست و اهل خردورزی. اعتقاد دارد همه چیز را بر میزان و معیار عقل و منطق می‌توان سنجید و توجیه کرد. او اولیاءالله را همان علما می‌داند و طی الارض کردن آنان در یک لمحہ را، استفاده از وسایل پیشرفته علمی آن عصر می‌داند. اما کرامات قوان چیان، عارف و مرتاض هندی، با هیچ توضیح و تأویل علمی جور در نمی‌آید، از این رو راوی این مورد را این چنین توجیه می‌کند: «انسان می‌تواند این کارها را هنگامی انجام دهد که به نفس علم بیبندد. هرکس به آنجا قدم نهد پرده از چشم او برافتد، مقام شرف و علویت خود را که عبارت از معرفت نفس است می‌بیند». (طالبوف،

طالبوف بر این باور بود که در شرایط فعلی، دین به تنهایی پاسخگوی حیات و امور اجتماعی نیست، و باید از دانش‌های نوین اجتماعی، که مبتنی بر تجربه کشورهای پیشرفته است و عامل ترقی آن‌ها شده است کمال استفاده را کرد. به اعتباری می‌توان گفت که وی بر تغییرات ساختاری در سنت و سازگاری هویت بومی با مدرنیته، مشروط بر حفظ ارزش‌های دینی و فرهنگی تأکید می‌کرد. «واضح است احکام هر عصر متعلق به زندگانی معاصرین، و در طبق سهولت معیشت آن‌ها وضع شده است. آنچه در عصر خلفای عباسی لازم بود در این عصر ترقی از حیز انتفاع افتاده است. آن‌ها را باید همان طور بگذاریم و متمم آن‌ها را، آنچه امروز لازم است، وضع نماییم.» (طالبوف، ۱۳۹۷: ۱۲۷)

۸- تناقضات فکری و عملی، تلاش برای شکستن عُرف‌های مُخرَب اجتماعی یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای مشروطیت، آگاه شدن مردم و شکستن عرف‌های مخرب و نهادینه شده اجتماعی بود که در جنبه‌های مختلف از جمله ادبیات آثار و عوارض خود را نشان داد. آنچه همگان از ادبیات و آثار آن- اعم از نوع متعالی و غیر متعالی و خالقان آثار شناخته و دریافته بودند، حرمت بی چون و چرایی بود که نسبت به شاعران و ادبای پیشین- صرف نظر از جایگاه والا یا پایین آن‌ها در همه حال و تحت هر شرایطی بایست رعایت می‌شد. القای این نکته مهم توسط منتقدان مشروطیت که هر چیزی، حتی سنت‌های دیرین و نام‌های بزرگ، قابل نقد توانند بود، برآیند ارزشمند تلاش و انتقادات اهل مشروطه است که تأثیر شگرفی در تحوّل فکری جامعه داشت و بنیان‌های عقلانی فرهنگ مردم را تقویت کرد. این امر بی سابقه بود؛ زیرا همواره نوعی الزام ناخودآگاه در رعایت حریم بزرگان ادبی در طول تاریخ وجود داشت که مانع از کندوکاو نقادانه و بی‌ملاحظه در آثار ادبی می‌شد. مشروطیت برای نقد آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی ادب فارسی راهی گشود و مجالی پدید آورد تا همگان برای نخستین بار تأثیرات منفی را که بواسطه برخی اصول فکری و اخلاقی ادب فارسی در شخصیت و رفتار آحاد جامعه ایرانی رسوخ و رسوب کرده بود، دریابند. همچنین ظهور ادبیاتی با مشخصه‌های تازه که به ادبیات مشروطه معروف است، محقق گردد.

طالبوف پرسش‌گری و نقادی را اساس تمدن و ترقی می‌دانست و بر این باور بود که فرهنگ و اندیشه سنتی و نوع نظام سیاسی کشور راه انتقاد و پرسش‌گری را بسته است. (رحمانیان، ۱۳۸۶: ۱۰۵) و گاه نبود آزادی و امنیت و چیرگی استبداد و حتی دور شدن از اسلام راستین را عامل این جریان می‌دانست. (رحمانیان، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

از نظر طالبوف، هرچند هویت مدرن در ترقی و پیشرفت ایران می‌تواند تا حد زیادی تأثیرگذار باشد، ولی پذیرش آن باید مشروط به شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران باشد و تمام این اصول باید تعدیل و بومی گردد. در مورد زین العابدین مراغه‌ای و سیاحت نامهٔ او نیز این تفکر دیده می‌شود، ارزش‌های بنیادین تمدن جدید اروپایی معیار سنجش انتقادی مراغه‌ای از اوضاع ایران بود و الگوبردارهای سطحی و ظاهری از غرب را مورد انتقاد قرار می‌داد. «در تمام آن مملکت‌ها که در ایران دیدم در هیچ بلادی آثار ترقیات و تمایل به تمدن به نظرم نیامد که بدان خوش وقت شوم. اما از این طرف در تجملات بیهوده و فراهم آوردن اسباب تزئینات خانگی به درجه‌ای پیش افتاده‌اند که ابداً اجدادشان آن وضع را در خواب خودشان هم ندیده بودند.» (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۲۱۳).

۹- انتقاد از استبداد، خرافات و موهوم پرستی

انتقاد از تفکرات خرافی را می‌توان به عنوان مشخصات عام ادبیات مشروطه نام برد. انتقاد بی‌چون و چرا به افراط در فرهنگ قضا و قدری و تحیل‌های غیرعقلانی بخش بزرگی از متون این دوره را به خود اختصاص داده است. ادبیات مشروطه در جریان جدال با کهنه‌پرستی و خرافات شکل گرفت و اصلاح‌طلبان علت درماندگی و عقب‌افتادگی مردم ایران را تسلط افکار غیرعقلانی می‌دانستند و خود را به عنوان پیام‌آوران عقلانیت و آزادی معرفی می‌کردند. روشنفکران در تلاش بودند در ساختارهای سنتی، که در اثر فقر دانش و تسلط سنت‌گرایی به وجود آمده بود تغییر ایجاد کنند. نگاه انتقادی روشنفکران بر این پایه استوار بود که علت عمدهٔ عقب‌ماندگی عمومی ملت ایران جهل مردم و تلقی کهنه‌پرستانه‌ی آنان است و راه بیرون رفت از این شرایط را دست یافتن به دانش علمی می‌دانستند. ورود مفاهیم نوین و اندیشه‌های آزادی خواهانه مقدمات انتقاد و نكوهش از استبداد و خرافه پرستی را در شاکلهٔ متون فارسی فراهم کرد. طالبوف در *مسالك المحسنين* عقیده و انتقاد خود را در مورد خرافه‌پرستی مردم چنین بیان می‌کند: «توهمات بی‌اساس اسباب تخدیش ذهن و تغییر حرکات اشخاص عالم و عاقل و رشید می‌شود. از احبا چندین ذوات عالم و معقول را می‌شناسم که روز دوشنبه به هیچ کار اقدام نمی‌کنند. می‌گویند اگر روز دوشنبه کار بکنیم بد تمام می‌شود. سودا بکنیم بی‌سود درآید، مکتوب بنویسیم کدورت آورد، مزرعه بخریم بذر نمی‌دهد، و به هر چه اقدام نماییم بی‌نتیجه می‌ماند. حال آنکه دوشنبه و سه شنبه یا سایر ایام ما اسم بیست و چهار ساعت، یعنی مقیاس یک گردش زمین ماست به دور محور خود. وانگهی هر وقت آفتاب دوشنبه ما غروب کند آفتاب دوشنبه طرف دیگر زمین طلوع می‌نماید یا برعکس. یا همچنین در بعضی اراضی دوشنبه ما، ده بار گشته و دوشنبه آن‌ها

هنوز نیامده. بعضی هستند که در ایام طاق، مثلاً یکم و پنجم و هفتم هیچ کار نگیرند و به هیچ عمل اقدام نمی کنند مگر در ایام جفت، دو، چهار شش و هکذا. حالا تصور بکنید که در خلقت ما چیز جفت یا عدد جفت هرگز وجود ندارد. کاینات همه کثرتی است که از واحد لاتحصی تشکیل یافته. پس آنچه موجود نیست چگونه نافذ بد و نیک امور می تواند بشود. (طالبوف، ۱۳۹۷: ۱۰۰)

۴. بحث و نتیجه گیری

این دو سفرنامه در قالب رمان اجتماعی، منعکس کننده فضای اجتماعی دوران مشروطه (قاجار) است. نویسندگان این دو اثر که با نگاه انتقادی، متوجه ضرورت تغییرات اجتماعی در ایران بودند در وهله نخست، به نقد مناسبات اجتماعی پرداختند. در این زمینه به ترسیم وضع موجود، سپس آسیب شناسی آن وضعیت، و بعد راه برون رفت از آن شرایط و بالاخره ترسیم وضعیت مطلوب پرداخته اند. خلق این آثار با هدف ترویج، تثبیت و سازگاری اندیشه های جوامع پیشرفته غرب و البته آگاهی و شناخت از روحیات و باورهای مذهبی مردم ایران صورت گرفته است. تلاش طالبوف و مراغه ای به این نتیجه مشترک پایان می پذیرد، که اصلاح نظام حکومتی یک کشور، جز با تغییر نظام اجتماعی ممکن نیست و مردم محصول محیط اجتماعی خویش هستند. طالبوف و مراغه ای برآمده از ارتباط میان روشنفکران ایرانی و روس بودند. این روشنفکران، به ویژه مراغه ای به انتقاد از مسائل اجتماعی، همچون بی عدالتی، جهل و خرافات، در جامعه آن روز ایران پرداخته است. انتقادات مراغه ای همه وجوه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران را در بر می گیرد. وی در به نمایش گذاشتن اجتماع ایران همواره جهل و خرافات، بی نظمی، نا به سامانی، رشوه خواری، تعصبات کور، مصلحت اندیشی فردی، دروغ، نیرنگ، فریب کاری، استبداد و بی دانشی توده مردم اشاره دارد. در هر دو روایت توجه به لزوم بیداری ایرانیان و ضرورت تغییرات بنیادی و برون رفت از اوضاع موجود پرداخته و بی پروا علت عقب ماندگی و درماندگی های ناشی از اندیشه های سنتی و تعصب های کور را به نقد کشیده اند. آنان با نوشتن سفرنامه های خیالی جنبشی تازه و بی سابقه را بر علیه استبداد و تبعات آن که شامل انواع نارسایی های اجتماعی بود پایه گذاری کردند. اشتراک عقیده و تلاش طالبوف و مراغه ای در راستای رفع تعارض بین تجدد و سنت های دینی نکته ای شایان ذکر است. هر دو نویسنده اندیشه تجدد گرایی و اقتباس از مدرنیته را در انطباق و پوشش دین عرضه می کردند. و یگانه راه اخذ مدرنیته را این نکته می دانستند که به مسلمانان گفته شود، اسلام تنها به یک دین محدود نمی شود، بلکه ساختاری گسترده دارد که تمام

امور اجتماعی را در برمی گیرد. به تعبیری بسیاری از مبانی پیشرفت غرب و مدرنیته را حاصل فهم درست از اسلام راستین می دانستند.

منابع و مأخذ

اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). پیشگامان اندیشه جدید در ایران: عصر روشنگری ایرانی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

آدمیت، فریدون (۱۳۸۸). ایدئولوژی نهضت مشروطیت در ایران، نشر گستره.

آرین پور، یحیی (۱۳۸۲). از صبا تا نیما: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، جلد نخست: بازگشت، بیداری، تهران، زوار، چاپ هشتم

آرین پور، یحیی (۱۳۸۷). از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ ساله ادب فارسی، ج ۱، تهران: انتشارت زوار، چاپ نهم

آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۴). کاربرد آموزه های زبان شناسی نقش گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی. *مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد*. سال سی و هشتم، شماره دوم (شمارهٔ پی در پی ۱۴۹) ص ۱-۲۱.

بالایی، کریستف (۱۳۸۶). پیدایش رمان فارسی. مترجمان: مهوش قدیمی - نسرين خطاط بهنام، جمشید (۱۳۷۵). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: فرزانه روز.

تلطف، کامران (۱۳۹۳)، سیاست نوشتار (پژوهشی در شعر و داستان معاصر ایران). ترجمه‌ی مهرک کمالی. تهران، نامک

حسینعلی قبادی، سیدعلی دسپ، مقاله پنجمین همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، ۸۷۷، خویینی، عصمت (۱۳۹۰). تازه های اندیشه و زبان در کتاب سیاحت نامه، *فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر (بهار ادب)*. سال چهارم - شماره دوم.

درستی، احمد (۱۳۸۱). شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ذاکرحسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: علم

رحمانیان، داریوش (۱۳۸۲). تاریخ علت شناسی انحطاط و عقب ماندگی ایرانیان و مسلمین، از آغاز دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی، تبریز: موسسه تحقیقات علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز

رحمانیان، داریوش (۱۳۸۶). طالبوف؛ غرب و تجدد. *فصل نامه زبان و ادبیات، مجله دانشکده ادبیات و*

سپانلو، م.ع (۱۳۹۳) و نقش تاریخی ابراهیم بیگ، در «سیاحت نامه ابراهیم بیگ»، حاج زین العابدین مراغه ای، تهران: نشر آگه، چاپ چهارم

شمیم، علی اصغر (۱۳۸۰). ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، تهران: زریاب
طالبوف تبریزی، عبدالرحیم (۱۳۵۷)، ایضاحات در خصوص آزادی (به کوشش ایرج افشار)، تهران:
سحر.

طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۴۶). کتاب احمد، تهران: سازمان کتابهای جیبی
طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۹۷). مسالك المحسنين، با مقدمه م. ب. مؤمنی
عبادیان، محمود (۱۳۷۱). در آمدی بر ادبیات معاصر ایران، تهران: گهر نشر
عسگری حسنگلو، عسگر (۱۳۷۸). سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی در ادبیات، مجله‌ی ادب پژوهشی،
ش ۴

فروغی، محمدعلی (۱۳۸۴). مجموعه مقالات محمدعلی فروغی، تهران: توس
کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۹۱). تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم
کسروی، احمد (۱۳۸۲). تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه
کهنمویی پور، ژاله (۱۳۸۹). نقد جامعه‌شناختی و لوسین گلدمن، تهران: علمی و فرهنگی.
گلدمن، لوسین (۱۳۸۲). نقد تکوینی، ترجمه‌ی محمدتقی غیاثی، تهران: نگاه
مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۸۴). سیاحت نامه ابراهیم بیگ، به کوشش محمدعلی سپانلو، تهران: مرکز،
چاپ یکم، ویراست دوم.

میرسپاسی، علی (۱۳۸۴). تأملی در مدرنیته ایرانی. ترجمه جلال توکلیان. تهران: طرح نو.
هاشمیان، احمد (ایرج). (۱۳۷۹). تحولات فرهنگی ایران در دوره‌ی قاجار و مدرسه‌ی دارالفنون، تهران:
موسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.
یغمایی، اقبال (۱۳۷۵). وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

References

- Akbari, Mohammad Ali.(2004).Pioneers of New Thought in Iran: The Age of Iranian Enlightenment, Tehran: Humanities Research and Development Institute
Adamit, Fereydoun .(2009). Ideology of constitutionalism movement in Iran, Gostareh publication.

- Arinpour, Yahya .(2003). From Saba to Nima: the history of 150 years of Persian literature, the first volume: return, awakening, Tehran, Zovar, 8th edition
- Arinpour, Yahya .(2008).From Saba to Nima, 150-year history of Persian literature, Volume 1, Tehran: Zovar Publishing House, 9th edition.
- Aghagolzadeh, Ferdous.(2005). The use of role-oriented linguistics in the analysis of literary texts. Journal of the Faculty of Literature and Human Sciences, University of Mashhad. The thirty-eighth year, the second issue (consecutive number 149) pp. 1-21.
- Abayi, Christoph.(2016).The emergence of the Persian novel. Translators: Mahosh al-Gadi - Nasreen Khatat
- Behnam, Jamshid.(1996).Iranians and modern thought, Tehran: Farzan Rooz.
- Taltaf, Kamran.(2013).The politics of writing (a study in contemporary Iranian poetry and fiction). Translated by Mehrak Kamali. Tehran, Namek
- Hossein Ali Qabadi, Seyyed Ali Desp, article of the fifth Persian language and literature research conference, 877
- Khoyyini, Ismat .(2010). Updates of thought and language in the book of Travels, a specialized quarterly magazine of poetry and prose stylistics (Bahar Adeb). Fourth year - second issue.
- Darishti, Ahmed.(2012). Political poetry in the second Pahlavi period, Tehran: Center for Documents of the Islamic Revolution
- Zakir Hossein, Abdur Rahim. (1998). Political literature of Iran in the era of constitutionalism, Tehran: Alam
- Rahmanian, Dariush.(2003).Etiology history of decline and backwardness of Iranians and Muslims, from the beginning of the Qajar period to the end of the Pahlavi period, Tabriz: Research Institute of Humanities and Islamic Sciences, University of Tabriz
- Rahmanian, Dariush.(2007). Talebov; West and modernity. Language and Literature Quarterly, Tehran University Faculty of Literature and Humanities Magazine. No. 182
- Sepanlu, M.A.(2013).and the historical role of Ebrahim Bey, in "The Travels of Ebrahim Bey", Haj Zain al-Abidin Maragheh, Tehran: Age Publishing House, 4th edition
- Shamim, Ali Asghar.(2001).Iran during the Qajar dynasty, Tehran: Zaryab

- Talebov Tabrizi, Abdur Rahim.(1978).Explanations about freedom (by Iraj Afshar), Tehran: Sahar.
- Talebov, Abdur Rahim.(1967).Ahmed's book, Tehran: Pocket Books Organization
- Talebov, Abdur Rahim.(2017).Masalak al-Mohsenin, with an introduction by M. b. a believer
- Ebadian, Mahmoud.(1992). An introduction to contemporary Iranian literature, Tehran: Publishing house
- Asgari Hasanklou, Asgar.(1996).The course of sociological criticism theories in literature, Journal of Adab-Pozhohshi, Vol. 4
- Foroughi, Mohammad Ali .(2005).Collection of articles by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Tos
- Kermani, Nazim al-Islam.(2012).The History of Iranian Awakening, Tehran: Amirkabir Publications, 9th edition.
- Kasravi, Ahmed.(2012). Iran's Constitutional History, Tehran: Negah
- Kohnmoipour, Jhaleh.(2010). Sociological criticism and Lusin Goldman, Tehran: Scientific and Cultural.
- Goldman, Lucien.(2003).Constructive criticism, translated by Mohammad Taghi Ghiashi, Tehran: Negah
- Maraghei, Zainul Abdin (2005). Ebrahim Bey's travelogue, by Mohammad Ali Sepanlou, Tehran: Center, 1st edition, 2nd edition.
- Mirspasi, Ali (2005). A reflection on Iranian modernity. Translated by Jalal Tavaklian. Tehran: New design.
- Hashemian, Ahmad (Iraj).(2000).Iran's Cultural Developments in the Qajar Period and Dar al-Funun School, Tehran: Sahab Institute of Geography and Cartography.
- Yaghmai, Iqbal.(1996). Ministers of Science, Education and Culture of Iran, Tehran: Academic Publishing Center.